



دانشگاه ساه نور

روان شناسی آموزش خواندن

(رشته علوم تربیتی)

جمال الدین کولایی نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب کتاب

۱	فصل اول. مقدمه
۱۱	فصل دوم. زبان و زبان‌آموزی
۱۷	فصل سوم. روش‌های مختلف تدریس خواندن و نوشتن
۲۹	فصل چهارم. روش تدریس خواندن و نوشتن زبان فارسی
۱۰۹	فصل پنجم. لغت‌دانی یا افزایش واژگان
۱۱۵	فصل ششم. اختلالات گویایی و خواندن نوشتن
۱۲۱	فصل هفتم. نوشتن

فصل اول

مقدمه

روانشناسی آموزش خواندن

اهداف و مبانی اصلی درس، مصوب ستاد انقلاب فرهنگی به شرح زیر است:

الف) اهداف

- مسلط شدن به مهارت‌های تدریس فن خواندن و نوشتن و سوادآموزی در دبستان.
- مسلط شدن به روش‌های گسترش مهارت‌های گوناگون در خواندن زبان فارسی و رفع مشکلات و دشواری‌های خواندن.

ب) منابع

۱. روش‌های مطالعه، ترجمه علی‌اکبر سیف.
 ۲. خواندن و تفکر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مینو وزرگر.
 ۳. روش‌های تدریس کتاب‌های فارسی اول تا پنجم.
 ۴. به کودک خود خواندن بیاموزید - گلن دومان.
 ۵. راه آموختن املاي فارسی - فرامرز برزگر.
- با توجه به اهداف و منابع درسی، کتاب حاضر در اختیار دانشجویان گرامی رشته علوم تربیتی قرار می‌گیرد. امید است با عنایت به کوتاهی فرصت در طول یک نیم‌سال

تحصیلی و فشرده‌گی مطالب این مجموعه، به بحث‌ها و کار عملی کلاس با دقت و پشتکار ویژه توجه بیشتری مبذول دارید تا بتوان به اهداف مذکور در فوق دست یافت.

یادآوری

از آنجایی که ۲ واحد درس روان‌شناسی آموزش خواندن منطقاً دنباله ۲ واحد درس زبان‌آموزی به شمار می‌رود و گذراندن درس زبان‌آموزی مقدمه‌ای برای درک بهتر و سریع‌تر درس حاضر می‌باشد و از آنجایی که ممکن است عده‌ای از همکاران دانشجوی واحد مذکور را نگذرانیده باشند، ناچار مقدماتی را به عنوان مدخل قبل از ورود به مباحث اصلی درس یادآور می‌گردد. بدیهی است در صورت نیاز بحث و بررسی بیشتر در کلاس به عمل خواهد آمد.

شما به عنوان متخصص آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی بعد از پایان تحصیلات کار تدریس یا برنامه‌ریزی‌های آموزشی را برای کودکانی که اکثریت قریب به اتفاق آنان تاکنون از آموزش رسمی برخوردار نبوده‌اند آغاز می‌کنید. کار شما در واقع به نوعی خشت اول تعلیم و تربیت رسمی است. در گذشته بسیاری از همکاران شما می‌پنداشتند که غرض از آمدن طفل به دبستان فقط فراگرفتن مطالب کتاب یا کتاب‌های درسی و گذراندن امتحانی بر پایه مواد برنامه تحصیلی است. برای اینکه شاگرد در آینده بتواند از آنچه آموخته است در زندگی استفاده کند. امروز کلیه معلمان و مسئولان تعلیم و تربیت معتقدند که سواد و تحصیل فقط وسیله‌ای است برای زندگی بهتر در حال و آینده و رسیدن به کمال معنوی انسانی. بنابراین آموزش و پرورش کنونی اضافه بر اینکه نیازمندی‌های زندگی کنونی کودک را فراموش نمی‌کند. اساسی‌ترین هدف خود را این می‌داند که استعدادهای نهفته او را بشناسد، آنها را برانگیزد و قوای جسمی و روانی وی را آن‌گونه متعادل پرورش دهد که این استعدادها در فرصت و شرایط مناسبی که برای طفل فراهم می‌شود تربیت شوند و دانش‌آموز امروز پس از فارغ از تحصیل بتواند در جامعه قبول مسئولیت کند و فردی مستقل، وظیفه‌شناس، مفید به حال خود و جامعه بار آید.

برای دستیابی به موارد ذکر شده نخستین وظیفه معلم چیست؟

الف) شناخت کودک

۱. با خصوصیات زندگی فردی و خانوادگی یکایک کودکان آشنا شوید تا:
 - اگر خدای ناکرده از لحاظ خانوادگی احساس کمبود محبت می‌کند، شما با محبت بیشتر این کمبود را جبران کنید. محبت کردن مهم‌ترین و مؤثرترین عامل ایجاد علاقه در کودک برای یادگیری است. شما از راه‌های مختلف، از قبیل: ارجاع مسئولیت، توجه به رفتار، شرکت دادن طفل در کارهای گروهی، تحسین و تمجید فعالیت‌های مفید و خودداری از انتقادهای شدید می‌توانید در نیل به این مقصود توفیق یابید.
 - نوع وظایف و تکالیفی که برای او تعیین می‌کنید با امکانات زندگی وی متناسب باشد، مسلماً از کودکی که پدر و مادر بی‌سواد دارد و در محیط زندگانی او کسانی که بتوانند در کار تحصیل به وی کمک کنند وجود ندارد، انتظار نخواهید داشت که از بزرگ‌ترهای خود برای جبران عقب‌ماندگی‌های تحصیلی کمک بگیرد و خود شما برای او این امکانات را فراهم خواهید کرد. همچنین برای کودکی که ناگزیر است پس از پایان درس روزانه در امر تهیه معاش و فعالیت‌های خانواده خود مشارکت داشته باشد تکالیف درسی زیاد تعیین نخواهید کرد.
 - پیشرفت‌های تحصیلی او را متناسب با توانایی و محیط زندگانی او مورد سنجش و قضاوت قرار دهید. کودکی که از لحاظ زندگانی خانوادگی خود در فقر به سر می‌برد و توانایی تهیه وسایل تحصیل را ندارد، در خانه‌ای پرجمعیت زندگی می‌کند، افراد خانواده‌اش با کتاب و مطالعه سر و کار ندارند، مسلماً از لحاظ شرایط تحصیل و میزان اطلاعات و رشد قوای ذهنی یا بدنی با کودکی که در محیط مساعدی زندگی می‌کند متفاوت است. بدون شک پیشرفت‌های تحصیلی این دو کودک با استفاده از یک معیار واحد، خلاف اصول تعلیم و تربیت است.
 - یکی از نقش‌های تعلیم و تربیت به وجود آوردن عادات‌های مطلوب در طفل است. عادات‌های خوب او را پرورش دهید و به تدریج در تغییر عادات نامطلوب او بکوشید. وی باید مراقب بهداشت و پاکیزگی خود باشد، بداند که چگونه از جان و سلامتی خود در برابر خطرات محافظت کند، حق مالکیت خصوصی خود و دیگران را بشناسد، حدود آزادی خود و احترام به آزادی دیگران را بشناسد، درست نشستن و برخاستن و راه رفتن را بداند، آداب گفتن و شنیدن با دیگران را رعایت کند،

درست‌خواندن و نوشتن را یاد بگیرد و در کار تحصیل پشتکار داشته باشد، از شکست نهراسد و آن را با کوشش بیشتر جبران کند.

- کودکان کناره‌گیر و خجول و یا مزاحم و گستاخ و ناسازگار را بشناسید و علل ناهماهنگی آنان را با کودکان دیگر کشف کنید و کوشش مداوم در برطرف‌کردن نقایص آنان به کار برید.

- کودکانی را که دارای استعداد و هوشی بیشترند بشناسید و روشی خاص در بروز و پرورش استعدادهای آنان به کار ببرید تا وسایل پیشرفت سریع‌تر ایشان را در تحصیل فراهم نموده باشید و اگر لازم باشد که تحت تعلیم و تربیت خاصی مناسب با هوش و استعداد خود قرار گیرند، شما سعی کنید که وسایل و امکانات لازم آن را برای آنان فراهم کنید.

- با اولیای طفل درباره تعلیم و تربیت او مشورت کنید و ترتیبی بدهید که خانه و مدرسه در این راه روشی هماهنگ داشته باشند.

۲. قوای جسمی یکایک شاگردان را مورد مطالعه قرار دهید.

در همان روزهای اول سال تحصیلی باید با همکاری متخصصان یا با استفاده از روش‌هایی که در دوره‌های تحصیلی یا کارآموزی خود فراگرفته‌اید اقدامات بهداشتی زیر را انجام دهید:

- میزان بینایی هر یک از چشم‌های کودک را مورد توجه قرار دهید تا اگر نیازی به عینک یا درمان دارد اولیای او را مطلع سازید.

- میزان شنوایی هر یک از گوش‌های کودک را مورد توجه قرار دهید تا اگر نیازی به معالجه یا سمعک دارد اولیای او آگاه شوند.

- جای کودکانی را که از لحاظ بینایی یا شنوایی ضعیف هستند نزدیک‌تر به تخته سیاه و معلم تعیین کنید.

- ترتیبی اتخاذ کنید که کودکان مبتلا به بیماری‌های واگیر پیش از آنکه کنار کودکان دیگر قرار گیرند و آنان را مبتلا کنند درمان شوند.

مسلماً توجه دارید که تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل تامین سلامت فرد است. وظیفه شما از لحاظ دقت در سلامت کودکان و ایجاد عادت‌های بهداشتی در آنان و

کوشش در تامین سلامت ایشان تنها به روزهای اول سال محدود نخواهد بود. باید همانگونه که همواره به پرورش قوای فکری او توجه دارید به سلامت او نیز توجه کنید شک نیست که اگر به کشف نقصی در سلامت طفل توفیق یافتید این نکته را با اولیای او در میان خواهید گذاشت نه با خود طفل که ممکن است در او ایجاد ناراحتی روانی کند.

۳. به نقایص و ویژگی‌های عضوی بعضی از کودکان که ممکن است در شمار شاگردان شما باشند واقف شوید و با آنان با روشی مطلوب رفتار کنید.

اگر در بین شاگردان کلاس شما کودکان چپ‌دست وجود دارند به نکات زیر توجه نمایید:

- هرگز کودک چپ‌دست را وادار نکنید که ترک عادت کند و دست راست خود را برای نوشتن به کار بیندازد. توجه داشته باشید که این عادت ممکن است به علت وضع طبیعی بدن پیدا شده باشد و تغییر آن موجب ناراحتی‌های دیگر در طفل خواهد شد.

- اگر راه درست‌نوشتن به کودکان چپ‌دست آموخته شود آنان نیز درست و زیبا خواهند نوشت.

- شاگردانی که با دست راست می‌نویسند معمولاً گوشه چپ صفحه کاغذ را کمی به پایین متمایل کنند.

- باید به چپ‌نویسان عادت داده شود که هنگام نوشتن، دست آنان زیر نوشته حرکت کند و روی خط کشیده نشود. روش در دست‌گرفتن مداد و قلم برای این گروه مانند روشی است که به راست‌نویسان توصیه می‌کنید.

- شاگرد چپ‌نویس را در انتهای چپ میز جای دهید تا هنگام نوشتن نه او مزاحم شاگردان راست‌نویس شود و نه آنان مزاحم او شوند. فایده دیگر این کار این است که از همان ابتدا عادت نخواهد کرد که به نوشته دوست کنار خود نگاه کند. همچنین توجه داشته باشید که جای چپ‌نویسان را در جبهتی از کلاس تعیین کنید که از محل نوشتن خود بتوانند هم مطالب نوشته شده بر روی تخته سیاه و هم نوشته خود را به

آسانی ببینند. اگر بیش از یک شاگرد چپ‌دست در کلاس شما وجود دارد همه آنان را کنار یکدیگر بنشانید.

اگر در بین شاگردان کلاس شما کودکانی وجود دارند که از لحاظ تکلم مبتلا به اشکالات یا اختلالات صوتی، گرفتگی صدا و لکنت زبان هستند در رفتار خود با آنان (ضمن مراجعه به مبحث آسیب‌شناسی زبان در همین کتاب) به این نکته‌ها نیز توجه کنید.

- از اولیای آنان بخواهید که در صورت امکان برای رفع نقایص تکلم کودک خود به پزشک مراجعه کنند.

- اعتماد این قبیل شاگردان را به خود جلب کنید تا بدون ترس از سخن گفتن، مانند شاگردان دیگر در بحث‌ها و گفتارها شرکت کنند. ترتیبی بدهید که سایر دانش‌آموزان نیز مانند شما با حوصله به گفتار آنان گوش کنند تا موجبات ناراحتی طفل فراهم نشود. به کودکان تلقین کنید که این نقص‌ها قابل درمان است و به تدریج برطرف خواهد شد.

- با این قبیل شاگردان بیشتر تماس بگیرید و پیش از معمول با آنان گفتگو کنید.
- توجه داشته باشید که برطرف کردن اختلالات صوتی یا گرفتگی صدا و لکنت زبان به آسانی و به سرعت امکان‌پذیر نیست باید هدفی معین و برنامه‌ای مداوم داشته باشید. بعضی از نقایص تکلم نیز فقط به وسیله پزشک متخصص و گاه عمل جراحی برطرف خواهد شد.

- در صورتی که طفل از تکلم در برابر جمع رنج می‌برد، او را وادار نکنید تا در حضور دیگران سخن بگوید و موجبات عذاب برایش فراهم شود، با استفاده از هر فرصت با این قبیل کودکان در تنهایی گفتگو کنید و وقتی آمادگی سخن گفتن در برابر جمع شدند، آنان را تشویق و ترغیب کنید تا در برابر کودکان دیگر سخن بگویند.

- هرگز ترجمان بیان این قبیل کودکان نشوید. زیرا طفل احساس خواهد کرد که به تنهایی قادر به بیان افکار خود نیست و این امر موجب ناراحتی وی خواهد شد.

- اگر در بین شاگردان کلاس شما کودکانی وجود دارند که دارای نقایص عضوی مشهود هستند، مانند نقایصی در حالت چهره (لب، چشم، گوش، مو، رنگ مو و...) یا نقایصی در اندام‌های بدن (مانند دست، پا، قد، چاقی مفرط و...) از همان روزهای

اول سعی کنید که رفتار سایر دانش‌آموزان نسبت به این قبیل کودکان رفتاری عادی و با محبت (نه ترحم‌آمیز) باشد و هرگز به این نقص‌ها توجهی غیر عادی نداشته باشند و آنها را خیلی طبیعی تلقی کنند.

۴. در روش و رفتار خود با کودکان، به همانندی‌های صفات اختصاصی آنان که بعضی از آنها ذیلاً یادآور می‌شود کاملاً توجه کنید:

- مهم‌ترین وجه اشتراک کودکان «کودک‌بودن» است. کودک توانایی انجام‌دادن کارهای بزرگ و خارج از توانایی خود را ندارد.

- قوه تشخیص و گفتار و کردار کودک نمی‌تواند همانند بزرگسالان باشد.

- هر کودک دارای شخصیتی خاص خود است. معلم باید به تفاوت‌های فردی کودکان توجه داشته باشد با هر یک از آنان به فراخور شخصیت ایشان رفتار نماید.

- کودک نمی‌تواند ساعات متمادی را به کارکردن و تفکر بگذراند. باید در فرصت‌های لازم و مناسب او را آزاد گذارد تا کارهای مورد علاقه‌اش را با نظارت و راهنمایی معلم انجام دهد.

- کودک با آزادمنشی ویژه‌ای دوستان خود را بدون توجه به به اختلافات نژادی، فرهنگی و قومی برمی‌گزیند و روحیه‌ای مساعد برای دوستی و همکاری با همگنان دارد.

- مفهوم زمان برای کودک تا سنین خاصی نامعلوم و مبهم است. به ندرت ممکن است به گذشته یا آینده‌ای دور بیندیشد. به این لحاظ در انجام‌دادن کارها و تکالیف خود پر حوصله و مآل‌اندیش نیست.

- کودک با دقت و کنجکاوی بسیار درباره مسایل مختلف، که با آنها مواجه می‌شود، می‌اندیشد و سؤال می‌کند. سؤال‌های کودکان بیشتر در حدود دانسته‌های خود ایشان است و اگر در مراحل تحصیل، با خوش‌رویی و مهربانی به آنان پاسخ داده شود به تدریج کنجکاوتر می‌شوند و از این راه دامنه اطلاعات و تجارب ایشان گسترش می‌یابد.

- کودکان علاقمندند که هرچه زودتر در کاری که آغاز کرده‌اند کامیاب شوند. اگر معلم و مربی روشی به کار برند که کودک در کار خود زودتر به موفقیت برسد، به تدریج

در او میل به پشتکار و تداوم به کارهای تازه به وجود آورده‌اند و اگر انتقادهای بزرگ‌ترها از کار او شدید و آزاردهنده باشد، امیال پسندیده طفل جای خود را به سرافکندگی و عدم اعتماد به خود خواهد داد. نباید فراموش کرد که احساس موفقیت در یک کار مهم‌ترین انگیزه برای فعالیت بیشتر است.

- کودکان علاقمندند که به آنان مسئولیت داده شود. قبول مسئولیت را در خانه با انجام دادن کارهای شخصی خود و کمک به بزرگ‌ترها یاد گرفته‌اند و تمرین کرده‌اند. معلم نیز باید مسئولیت‌های متناسب با توانایی و رغبت کودکان به آنان محول کند.

- کودکان دارای تخیلی بسیار قوی هستند گاه خود را به جای قهرمان داستان یا قصه‌ای که از بزرگ‌ترها شنیده‌اند و یا در صحنه‌های فیلم و تلویزیون دیده‌اند می‌گذارند و در عالم خیالی که برای خود ساخته‌اند، از واقعیات زندگی دور می‌افتند. معلم و مربی می‌تواند با روشی مطلوب کودکانی را که در عالم تخیل فرو رفته‌اند به دنیای واقعیات و حقایق سوق دهد.

- در انجام دادن بسیاری از کارهای مشکل، کودکان به کمک بزرگ‌ترها نیاز دارند. اگر معلم و مربی به کودکان اطمینان دهند که مواظب ایشان هستند و در موارد لزوم به کمک آنها خواهند شتافت، کودکان با شجاعت و جسارت و اطمینان بیشتر به انجام دادن کارهای مشکل خواهند پرداخت.

ب) نظم و انضباط - تشویق و تنبیه

وظیفه دوم معلم به وجود آوردن نظم و انضباط در کلاس است. اگر شاگردان معلم خود را دوست بدارند بدون ترس و تملق به او احترام بگذارند و به رفتار و روش کار او اطمینان حاصل کنند، مسلماً نظم و انضباط را رعایت خواهند کرد.

- منظور از نظم و انضباط در کلاس درس آن نیست که کودکان ساکت و بی‌حرکت بنشینند و به اوامر و نواهی معلم تسلیم شوند.

- بانضباط‌ترین کلاس آن است که شاگردان آن در حالی که احساس آزادی می‌کنند با اراده خود و با پیروی از عقل و مصلحت مرتکب عملی که نظم کلاس را بر هم زند نشوند.

- تشویق و تنبیه بی‌مورد و عدم تسلط معلم در روشی که برای تعلیم و تربیت به کار می‌برد و به کاربردن روش‌های نامطلوب عوامل اصلی برهم‌زدن نظم و انضباط یک کلاس هستند.

- تشویق به موقع مهم‌ترین عامل ایجاد رغبت در کودک برای کار و کوشش و پیشرفت است. باید هر کار خوب کودک مورد توجه معلم و مربی قرار گیرد و کودک به نحوی مؤثر و به موقع مورد تشویق واقع شود. در بسیاری از موارد تشویق کودک به کارهای خوب مؤثرتر از تنبیه او برای خطاهایی است که مرتکب شده است.

- هدف از تنبیه جز متنبه‌کردن، یعنی آگاه‌کردن طفل به خطایی که مرتکب شده است نیست. برای این منظور باید با محبت و مهربانی بیشتر با او گفتگو کرد تا علت زشت بودن کاری را که انجام داده است بداند. باید به اثر همیشگی تنبیه که جلوگیری از تکرار خطاست توجه داشت. بعضی از مربیان که حوصله گفتگو با طفل خطاکار را ندارند برای اینکه هرچه زودتر او را ساکت کرده باشند یا او را بی‌درنگ از عملی که انجام می‌دهد باز دارند، به تنبیه شدید وی متوسل می‌شوند و به اثر آنی تنبیه توجه دارند که بازگشت فوری نظم و فراهم‌شدن شرایط مساعد برای ادامه کار است و به این منظور به پرخاش‌کردن و درشت‌گویی یا تنبیه بدنی می‌پردازند. نتیجه این نوع تنبیه ترس، عصبان و طغیان، انتقام‌جویی، زبونی، بدبینی و از دست‌دادن اراده و شخصیت و سرانجام فرار از تحصیل و مدرسه است.

- بعضی از معلمان ممکن است برای تنبیه دانش‌آموزان روش‌های دیگری به کار برند از قبیل: «جریمه‌دادن» یعنی دانش‌آموز را مکلف می‌کنند که از روی متن چندبار بنویسد، نه فقط به این علت که آن متن را یاد نگرفته است، گاه این جریمه به عنوان عقوبت خطایی است که هرگز با کار درس او ارتباط پیدا نمی‌کند. توسل به این روش زیان‌های بسیار دارد. از جمله شاگردان را به درس و مدرسه و نسبت به کاری که باید همیشه با حوصله و دقت و علاقمندی انجام دهند بی‌توجه و بیزار می‌کند. چون این کار، با توانایی او متناسب نیست، غیر مستقیم او را وادار کرده‌ایم که به تقلب و دروغ‌گویی توسل جوید. بر همین سیاق است نگاه‌داشتن شاگرد در پایان درس در کلاس، به عنوان تنبیه.

- بعضی از معلمان، برای تنبیه، شاگرد را برای مدتی از کلاس اخراج می‌کنند. ممکن است گاهی شاگردان بازیگوش مایل باشند که به نحوی از کلاس رها شوند، در این صورت به تکرار خطا می‌پردازند تا آزادی بیشتری به دست آورند.
- هنر معلم خوب در این است که بدون توسل به روش‌های منفی انتظامات و تنبیه شدید، در کلاس خود، نظم و انضباط را با مهربانی و احترام متقابل شاگرد و معلم پایه‌ریزی کند.

ج) روش‌ها و تکنیک‌های آموزش خواندن

- اصولاً در کلاس اول مقدمات خواندن و نوشتن با آموزش دوره آمادگی آغاز می‌شود و مرحله آموزش لوحه‌ها از نظر مربیان و کارشناسان تعلیم و تربیت مهم‌ترین قدم در راه یادگیری خواندن و نوشتن و باسوادشدن افراد می‌باشد.
- هرگاه آموزش الفبا با روش و تکنیک صحیح تدریس نگردد، در مراحل بعدی، کار خواندن بسیار مشکل می‌شود.
- در آموزش الفبا از قوانین و اصول روان‌شناسی به طور اعم و روان‌شناسی یادگیری به طور اخص بایستی کمک گرفت و استفاده از وسایل کمک آموزشی را از نظر دور نداشت.
- معلم بایستی روش‌های عمده آموزش خواندن را با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت و روان‌شناسی و علل کاربرد آن روش‌ها را به خوبی آموخته باشد.
- روش تحلیلی، روش کلی و روش ترکیبی از جمله روش‌های عمده آموزش خواندن و نوشتن می‌باشند که متعاقباً به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.
- معلم خوب با مراحل تدریس (مجسم، نیمه‌مجسم، مجرد یا ذهنی) آشنایی دارد.
- معلم استفاده از روش مستقیم و غیر مستقیم در آموزش خواندن و موارد کاربرد آن را می‌داند؟
- قرائت‌کردن در خواندن چیست و مطالعه‌کردن کدام است. راه‌های مهارت و تسلط بر خواندن را باید مورد توجه قرار داد.
- فقط کتاب‌های درسی وسیله خواندن شاگردان نیست. کتاب‌های آسان یا هرگونه نوشته و کتاب مناسب را برای ایجاد رغبت مطالعه در کودکان باید شناخت.

فصل دوم

زبان و زبان‌آموزی

«زبان وسیله‌ای است برای انتقال عواطف و افکار از انسانی به انسان دیگر» یا «زبان مجموعه‌ای از دلالت‌ها یا نشانه‌هاست».

با توجه به تعاریف و توصیف کلی بالا از زبان، آنگاه که به تکلم کودکان و محیط کاربردی آن وارد شویم گفتن به دو نوع اساسی تقسیم می‌شود:

۱. تکلم خودمرکزگرا.

۲. تکلم اجتماعی شده.

اساسی‌ترین شکل تکلم خودمرکزگرا تکرار یا اکولالیا «Echolalia» است و آنگاه که تفکر درباره آنچه دیگران می‌گویند مبدا تکرار گردد این تکرار به نام «اکولالیای تاخیری» نامیده می‌شود. در مرحله بعد، کودکان اغلب می‌توانند تک‌گویی‌های طولانی در مورد موضوعات متغیری مانند تولد، عروسک‌ها یا معلم کودکان خود داشته باشند بدون آنکه هیچ کس مخاطب آنها باشد، یک کودک چه تنها باشد و چه در میان گروهی از کودکان با خودش حرف می‌زند. درباره خودش حرف می‌زند و برای خودش تکلم می‌کند، او به شنوندگان خود بی‌توجه است. این نوع تکلم را «تک‌گویی Monologue» می‌نامیم که بسیار شبیه «تفکر مصوت» بزرگسالان است. در مرحله سوم، اجتماعی‌ترین شکل تکلم شکل تکلم خودمرکزگرا، شامل تک‌گویی‌های همزمان کودکان، پدیدار می‌گردد که آن را «تک‌گویی جمعی Collective monologue» می‌نامیم. در این نوع تکلم دو یا چند کودک با یکدیگر صحبت می‌کنند، هیچ یک از آنها به صحبت دیگری گوش نمی‌دهد و به دیگری پاسخ نمی‌دهد.

الگوهای تکلم اجتماعی در پنج یا شش سالگی شروع به ظاهر شدن می‌کند. این زمانی است که کودک بیشتر با دیگران بازی می‌کند، با اسباب‌بازی‌های دیگران شریک می‌شود و در وضعیت‌های گروهی با دیگران همکاری می‌کند. گرچه تکلم کودکان شش یا هفت‌ساله تکلم اجتماعی نامیده می‌شود و این نام مبین ارتباط با دیگران است، اما تکلم کودک در این سن هنوز بسیار خودمرکزگراست. مکالمات، اغلب یک‌طرفه است، اما تغییری قابل توجه وجود دارد، اینک کودک به گوینده توجه می‌کند و به آنچه گفته می‌شود پاسخ می‌گوید. یک مبادله اطلاعات وجود دارد، یک مکالمه.

تکلم اجتماعی به چهار مقوله تقسیم می‌شود:

۱. اطلاعات سازش داده‌شده.

۲. انتقاد.

۳. دستورات، تقاضاها و تهدیدات.

۴. سؤال‌ها و جواب‌ها.

اطلاعات سازش داده‌شده، شکل اساسی تکلم اجتماعی است و پایه‌ای است که مکالمات بر روی آن ساخته می‌شود. یک کودک تفکرات و عقاید خود را با دیگران مبادله می‌کند و به شنونده خود چیزی می‌گوید که برای او جالب است یا بر روی اعمال او تاثیر می‌گذارد. مثلاً کودکی ممکن است به دیگری بگوید که یک قطعه از «پازل» او گم شده است تا بدین ترتیب آنها با یکدیگر پازل را تمام کنند.

دومین مقوله در تکلم اجتماعی یعنی انتقاد، در کودکان تقریباً همیشه بر پایه عصبانیت یا عاطفه آنها قرار دارد و به ندرت بر پایه دلیل و منطق است. این انتقاد معمولاً متوجه دیگران است (انتقاد از خود کمتر اتفاق می‌افتد) انتقاد به وسیله کودکان بدین جهت به کار می‌رود که برتری‌شان را بر دیگران به اثبات برسانند.

دستورات، تقاضاها و تهدیدات دلالت بر یک عمل متقابل معین بین گوینده و شنونده دارد. یک کودک به وسیله دستور، تقاضا و یا تهدید کوشش می‌کند اعمال مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد به طوری که؛ یک هدف دلخواه را به انجام برساند. این کار اغلب با عمل و یا قصد عملی، توسط کودک همراه است.

آخرین زیرمجموعه تکلم اجتماعی سؤال‌ها و جواب‌هاست. در این مرحله سؤالات کودکان دیگر سؤالاتی ساده و ابتدایی نیست که کودک انتظار پاسخ هم نداشته باشد. بلکه سؤالات بیشتر مربوط به علیت، منشا چیزها و دنیای پیرامون است.

ارکان زبان

انتقال افکار آدمیان به یکدیگر از راه شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن امکان‌پذیر است. ارکان چهارگانه بالا دارای پیوستگی و ارتباط با یکدیگرند. افراد بی‌سواد فقط از دو رکن از ارکان چهارگانه زبان استفاده می‌کنند و از راه شنیدن و گفتن به درک مقاصد دیگران یا بیان افکار خود می‌پردازند. شنیدن و گفتن را «ارکان سمعی» و خواندن و نوشتن را «ارکان بصری» زبان می‌نامیم. برای اینکه آدمی بتواند از زبان به عنوان یک وسیله مؤثر در بهترکردن زندگانی اجتماعی خویش استفاده کند و از محدودیت زمان و مکان و دایره قدرت سمعی خود در آگاهی از عقاید دیگران یا انتقال افکار خود خارج شود، ناگزیر به مهارت یافتن در ارکان بصری زبان نیز خواهد بود. به این لحاظ است که علمای تعلیم و تربیت سواد را بهترین وسیله رسیدن به زندگانی بهتر شناخته‌اند.

سواد مجموعه‌ای از مهارت‌های فرد در شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن یک زبان و دانش‌های مورد نیاز فرد برای زندگی در جامعه است. امروز کسی را باسواد می‌دانیم که بتواند از اطلاعات و تجاربی که از طریق این مهارت‌ها کسب کرده است به نحو مطلوب و مؤثر در کار و زندگی خویش استفاده کند. پس هدف از باسوادشدن تنها توانایی تشخیص کلمه‌های یک کتاب درسی نیست، بلکه حصول همبستگی بیشتری با محیط اجتماعی، دریافت محکم‌تر و مستقیم‌تری از واقعیت زندگی، ابراز حیثیت شخصی، راه‌بردن به منابع دانشی که برای شخص مفید باشد. تحصیل کاردانی و چیرگی بر رموز و فنونی است که زندگی بهتری را برای او تأمین کند.

کودک شنیدن و گفتن را قبل از آمدن به دبستان از والدین و اطرافیان خویش می‌آموزد ولی خواندن و نوشتن و مهارت در خواندن و نوشتن را باید در دوره ابتدایی و مراحل بعدی تحصیل فرا گیرد. همچنین توسعه و تقویت دو رکن شنیدن و گفتن از وظایف مدرسه است.

شنیدن (گوش‌دادن)

شنیدن یکی از ارکان مهم زبان‌آموزی است که کودک در ابتدا به کمک آن زبان‌آموزی را شروع می‌کند، کودک از هفته دوم تولد به تدریج گوش کردن را آغاز می‌کند و به صداهایی که می‌شنود عکس‌العمل نشان می‌دهد. از همین زمان است که جملات و الفاظ اطرافیان خود را می‌شنود و پایه‌های اولیه زبان‌آموزی در ذهن او گذاشته می‌شود. اگر اولین کلمه‌ای را که کودک بر زبان می‌آورد مثلاً در یازده ماهگی باشد قطعاً او در طول این مدت بارها این کلمه را شنیده و با دقت به آن گوش داده است تا به مرحله گفتن و بیان آن کلمه رسیده است بنابراین وقتی شنیدن با دقت همراه باشد گوش‌دادن، صورت می‌گیرد.

کسی که در حال گوش‌دادن است در عین حال چهار عمل مجزا از هم را انجام می‌دهد:

مراحل شنیدن (گوش‌دادن):

۱. بازشناسی آواها
۲. آشنایی با علایم و نشانه‌ها (از لفظ به معنی).
۳. بستک‌ها (از معنی به مصداق).
۴. ارتباط اجزای کلام (درک مفهوم کلی).

گفتن (تکلم)

سخن‌گفتن یا تکلم از مهم‌ترین وسایل ارتباط فکری انسان‌ها با یکدیگر است، زیرا بدین‌وسیله است که افراد عقاید و احساسات خود را برای یکدیگر بیان می‌کنند و به افکار یکدیگر نیز پی می‌برند. در جریان زبان‌آموزی همیشه تعداد لغاتی که کودک درک می‌کند، بیش از واژه‌هایی است که می‌تواند بیان کند. با توجه به بحث گذشته اینک جا دارد عمده عواملی را که در تکامل مهارت گفتن یا تکلم اجتماعی کودک مؤثرند فهرست‌وار یادآور شویم:

۱. گوش‌دادن و سلامت دستگاه شنوایی.
۲. سلامت دستگاه گویایی.
۳. توسعه لغوی با توجه به امکانات فرهنگی خانواده و جامعه.

۴. آزادی گفتار در بیان افکار و عقاید.

این وظیفه اساسی کار تعلیم یعنی رکن گفتن یا تکلم کردن در بسیاری از موارد مورد غفلت واقع می‌گردد. حرف زدن در مدرسه وظیفه‌ای است مهم، اما فقط وقتی که لازم باشد به پرسش معلم جواب دهند و غالباً در غیر این صورت حرف زدن قدغن است. مدرسه جایی است که در آنجا گوش دادن را یاد می‌گیرند و بعضی اوقات حتی اکتفا به شنیدن می‌کنند ولی استعمال قوه تکلم تحت قاعده در نیامده است.

هرجا که هنوز درس به صورت آمرانه مستقر باشد سخن گفتن تحت شرایط بسیار سخت و دقیق مجاز است و هرجا که روش‌های تعلیم و تربیت جدید و مخصوصاً روش کار دسته‌جمعی یا بر اساس همکاری و اشتراک مساعی برقرار باشد. نه فقط سخن گفتن را تسهیل بلکه توصیه هم می‌کنند، چطور می‌توان نوشت اگر برای گفتن صحیح، تمرین نکرده باشند. آموختن طرز تکلم فقط عبارت از این نیست که به کاربردن عبارات کتاب را که در سؤالات معلم جا داده شده است و در قالب‌هایی که وی انتخاب کرده است، تمرین شود. تحصیل شیوه سخن گفتن عبارت است از دانستن بیان صحیح مطالب در صورت امکان و اظهار آنچه که می‌خواهند بگویند و یا آنچه که احساس می‌کنند که دل‌انگیز و مبتکرانه است.

ارکان بصری زبان یعنی خواندن و نوشتن و کسب مهارت و تسلط بر این دو رکن در حیطه درس روان‌شناسی آموزش خواندن قرار می‌گیرد که به موقع خود و به تفصیل در این زمینه بحث و بررسی خواهیم داشت. بدیهی است در اینجا مقدمات و فشرده مطالبی که ما را در دریافت مطالب بعدی یاری نماید، خاتمه می‌یابد.

فصل سوم

روش‌های مختلف تدریس خواندن و نوشتن

به‌طور کلی روش‌های مختلف تدریس خواندن و نوشتن را با اندکی مسامحه می‌توان به سه مقوله اساسی تقسیم کرد. این سه روش اصلی عبارتند از:

۱. روش تحلیلی Analytique mettdod

۲. روش کلی Global mettdod

۳. روش آمیخته Eclectice mettdod

در پی، اختصاراً بنیادهای نظری و علمی، تاریخچه و مبتکران روش‌ها و آموزش روش تدریس آمیخته یا ترکیبی که روش تدریس کنونی در دبستان‌های کشور است با عنایت به خط و نوشتار را خواهید داشت. بدیهی است با استفاده از دروس نمونه، کار عملی را همراه با بررسی شما دانشجویان گرامی در کلاس درس خواهیم داشت.

روش تحلیلی

این روش همان روشی است که در آموزش غیر رسمی و آموزش رسمی کشور ما تا حدود سال ۱۳۲۷ هجری شمسی متداول بوده است. بنابراین این روش قدیمی‌ترین روش تعلیم و تدریس الفبای فارسی است. مبنای نظری این روش بر اساس مقدمات منطقی استوار بوده و از طریق اجزا به نتیجه کلی دست می‌یافتند. مراحل آموزش الفبا در این روش به شرح زیر می‌باشد:

- تدریس اسامی ۳۲ حرف فارسی.

- تدریس اسامی حرکات یا مصوت‌ها (اَ - اِ - اُ - آ - او - ای).

- تدریس کاربرد حرکات در حروف الفبا:
 آ - ب - پ - ت - ث - ج ...
- از ترکیب اسامی حروف و حرکات، کلمه ساخته می‌شود:
 میم - الف - دال - ر = مادر
- تهجی کلمات با توجه به آموزش‌های قبلی:
 الف، به صدای مدی = آ = آهو
- ه، به صدای واوی = هو
- پس از آموختن نکات فوق، کار نوآموزان در زمینه آموزش الفبا پایان یافته بود و آنگاه برای مهارت‌یافتن در خواندن و نوشتن استفاده از متون مذهبی و ادبی آغاز می‌گشت.

معایب روش

- شروع از جز و رسیدن به کل مغایر جریان طبیعی یادگیری است.
- تاکید روش بر تقویت حافظه از طریق تمرین و تکرار می‌باشد، بنابراین توجه به معنی و تعقل ناچیز بوده انباشتن ذهن، نه پروردن آن منظور می‌گردیده است.
- نوآموز هدف خاصی را در جریان آموختن حروف الفبا در پیش ندارد، بنابراین رغبتی نسبت به یادگیری نخواهد داشت.
- تمرین‌های صوتی و هجایی فاقد معنی بوده، کودکان با آن به شکل تمسخرآمیزی مواجه می‌شوند.
- کودک به جای تمیز آوای طبیعی حروف با اسامی الفبا آموزش می‌بیند.
- متون برگزیده متناسب با توانایی و ذوق کودکانه نوآموزان نبوده غالباً خارج از سطح توانایی آنان می‌باشد.

محاسن روش

- تنها یک حسن برای روش متصور است و آن اینکه اگر نوآموزانی بتوانند علی‌رغم تمام مشکلات مراحل آموزش را طی نمایند، قادر خواهند بود اکثر کلمات را بخوانند و حتی متون ادبی سنگین را با کمکی مختصر قرائت نمایند.